«محمد رضا احمدی» رزمنده ۱۳ ساله دوران جنگ و راوی این روزهای راهیان نور تصریح کرد:

یادمان‌ها نشانه‌های ارجمندی دوران دفاع مقدس

مرجان قندی
خبرنگار

ایران با تجاوز رژیم بعثی عراق در سال ۱۳۵۹ درگیر جنگی طولانی شد. این جنگ در نهایت پس از حدود ۸ سال در مرداد ۱۳۶۷ با قبول آتش‌بس از سوی دو طرف خاتمه یافت. حال که بیش از سه دهه از پایان این واقعه می‌گذرد یکی از مؤثرترین روش‌های آشناسازی نسل سوم انقلاب با دستاوردهای جنگ تحمیلی و ترویج فرهنگ پایداری و دفاع مقدس، حضور جوانان در موزه‌های جنگ یا مناطق عملیاتی هشت سال دفاع مقدس برای درک فضای معنوی این مناطق است. متولی اصلی اردوهای «راهیان نور» که نوعی از گردشگری جنگ در ایران محسوب می‌شود، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس است. هر سال به همت این بنیاد، گروه‌هایی از مردم مناطق مختلف ایران برای بازدید از مناطق جنگی غرب و جنوب کشور، در قالب اردوهای راهیان نور به استان‌های هم‌مرز با عراق می‌روند. در این اردوها بسیاری از رزمندگان سال‌های دفاع مقدس در عرصه روایتگری در یادمان‌های مختلف شهدای دفاع مقدس در جنوب، غرب و شمال غرب کشور و همچنین فعالیت در باغ موزه‌های دفاع مقدس سراسر کشور به تشریح ارزش‌های دفاع مقدس و آرمان‌های شهدا و فرهنگ معنوی جبهه‌ها در بین اقشار مختلف بخصوص نسل‌های پس از جنگ می‌پردازند و با یادآوری حماسه‌های دلاورمردان عرصه‌های جهاد و شهادت، سعی در ادای دین به دوستان شهیدشان دارند و همواره ادامه‌دهنده راهشان هستند که برادر رزمنده «محمدرضا احمدی» از جمله این افراد است. این راوی و جانباز شیمیایی دفاع مقدس برای ادامه راه دوستان شهیدش و ادای تکلیف به آنان با وجود مشکلات جسمی، بخصوص مشکلات ریوی و تنفسی باز هم با حضور معنوی خود در عرصه فرهنگی و با توجه به نیاز روز جامعه همواره سعی در آگاهی بخشی به نسل جوان دارد. طی گفت‌وگویی با وی، به چند و چون روایتگری در حوزه دفاع مقدس پرداختیم که حاصل آن پیش رویتان قرار دارد.

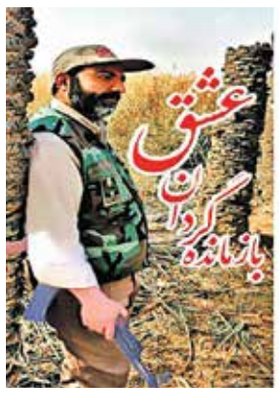

■ آقای احمدی قبل از هر سؤالی بهتر است بیشتر با شما و فعالیت‌هایتان آشنا بشویم.

من را همچنان بیشتر با همان عنوان کوچکترین رزمنده (۱۳ ساله) لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب و گردان خط شکن ولیعصر(عج) می‌شناسند. در سال‌های ۶۳، ۶۴ و ۶۵ توفیق حضور در مناطق عملیاتی دفاع مقدس را داشتم و در چندین عملیات مهم از جمله والفجر ۸، فتح فاو و عملیات کربلای ۵ و... حضور داشتم. همچنین سعادت همرزمی و همسنگری با شهدای والامقامی چون سردار شهید مهدی ناصری، شهید محمد ماهیاری، شهید جاویدالاثر بهرام قره شیخ لو و... را داشتم که حضور در کنار این شهدای عزیز، بزرگترین افتخاری بود که خداوند در دوران نوجوانی نصیبم کرد. من درس‌های زیادی از اخلاق و رفتار و معنویت این مردان بی‌ادعا به یادگار دارم. از این جهت پس از جنگ تحمیلی تاکنون همواره در زمینه اشاعه فرهنگ ایثار و شهادت و نشان دادن عظمت دلاوری‌های شهدا و نشر ارزش‌های دفاع مقدس تمام توان مادی و معنوی‌ام را به کار گرفته‌ام که در حد توان بتوانم ادامه دهنده راه شهدا باشم. با ثبت خاطراتم در کتابی به نام «بازمانده گردان عشق» و انتشار آن، حضور در جبهه فرهنگی راهیان نور در مناطق عملیاتی جنوب، غرب و شمال غرب کشور به‌عنوان روایتگر دفاع مقدس، شرکت در یادواره‌های شهدا در استان‌های مختلف و حضور فعال در جشنواره‌های فرهنگی و هنری حوزه ایثار و شهادت اعم از شعر و ساخت فیلم مستند و نماهنگ‌های دفاع مقدس، حضور روایتگری در برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی، تهیه‌کنندگی و تولید نماهنگ برای شهدا و ایثارگران و همچنین فعالیت در حوزه مجازی و خبرگزاری‌های مختلف سعی در ادای وظیفه خطیر روایتگری ایثارگری‌های شهدا را دارم.

■ عده‌ای از رزمنده‌های دفاع مقدس ازجمله خود شما بعد از پایان جنگ ارتباط‌شان را با این حوزه حفظ کردند، چطور شد که شما روایتگری را انتخاب کردید؟

پس از پایان تحصیلات دانشگاهی در رشته ادبیات فارسی در کسوت معلمی سال‌ها در خدمت دانش‌آموزان مدارس تهران و شهرستان زرندیه مرکزی بودم. همواره در طول این سال‌ها در هر فرصتی در مدارس، اردوها و مراسم و مناسبت‌های فرهنگی به روایتگری از دلاوری‌های ایثارگران و خاطرات و سیره شهدا پرداختم و به‌صورت حرفه‌ای در ۱۰ سال گذشته با گذراندن دوره‌های حرفه‌ای روایتگری و با مجوز و کارت معتبر روایتگری از بنیاد حفظ آثار و لشکرهای ۱۰ سیدالشهدا و سپاه روح‌الله و گذراندن دوره تخصصی روایتگری در باغ موزه دفاع مقدس تهران زیرنظر استادان این حوزه و سرداران دلاور دفاع مقدس چند سال است که در حوزه ایثار و شهادت در باغ موزه دفاع مقدس و ستاد مرکزی راهیان نور در اردوهای راهیان نور کشور هم به‌صورت راویان مستقر در یادمان‌ها و هم به‌صورت کاروانی فعالیت دارم و از خداوند متعال از بابت این سعادتی که نصیبم کرده بسیار سپاسگزارم و امیدوارم عنایت شهدا شامل حال تمام جامانده‌گان از قافله شهدا گردد تا بتوانیم ادامه‌دهندگان راه آنان باشیم و در قیامت شرمنده آنها نباشیم. بسیاری از دوستانم که در عملیات‌ها در کنارم بودند به شهادت رسیدند و من و بقیه همرزمان به آنها قول دادیم که تا آخرین نفس ادامه‌دهنده راهشان باشیم.

■ باغ موزه به‌عنوان یکی از نهادهای فرهنگی متولی امر ترویج فرهنگ ایثار و مقاومت است، شما به عنوان یکی از فعالان این مرکز بفرمایید که این مکان چه خدمات فرهنگی به مخاطبان خود ارائه می‌دهد؟

باغ موزه دفاع مقدس یکی از بهترین مراکز فرهنگی و تخصصی حوزه ایثار و شهادت است که مجهز به فناوری پیشرفته صوتی و تصویری و آرشیو کاملی از عکس‌ها، فیلم‌ها، تجهیزات و ادوات هشت سال دفاع مقدس است و با امکانات مختلف ازجمله سالن‌های مختلف و تالارهای هشت گانه با جدیدترین تکنولوژی روز سعی در معرفی کامل سال‌های دفاع مقدس و دلاوری‌های رزمندگان اسلام دارد. این مجموعه پذیرای علاقه‌مندان، پژوهشگران و دلدادگان مکتب سرخ حسینی و همه دوستداران شهدا است که با دیدن و شنیدن تصاویر و ماکت‌ها و روایتگری زیبای روایتگران پیشکسوت دفاع مقدس، خود را در آن صحنه‌ها احساس می‌کنند و ان‌شاءالله ادامه‌دهنده راه خون این شهدا باشند.

■ از نظر شما روایتگری ۸ سال دفاع مقدس امری فرهنگی است یا تاریخی؟

روایتگری یک وظیفه خطیر فرهنگی است که بنا به فرموده رهبر معظم انقلاب، زنده نگه داشتن یاد شهدا کمتر از شهادت نیست و اولین روایتگر شهدا حضرت زینب(س) است که با خطبه‌های آتشین خود پرده از ظلم و ستم یزیدیان برداشت و با بیان مظلومیت حسین بن علی(ع) و حقانیت راه شهدای کربلا نامشان را در تاریخ برای همیشه و تا ابد زنده نگه داشت و راویان با الگو گرفتن از این واقعه تاریخی روایتگر ایثار شهدای عزیز هستند.

■ چه تفاوت‌هایی بین تأثیر روایت‌های یک راوی با سایر موارد فرهنگی (مثل یک کتاب یا فیلمی مستند) در خصوص دفاع مقدس می‌بینید؟

در بحث جهاد تبیین و روایتگری حوزه ایثار و شهادت، هم روایتگری مؤثر است و هم ساخت و تولید فیلم و مستندهای مرتبط با این حوزه، اما باتوجه به تأثیرگذاری بیشتر رسانه و شبکه‌های مجازی محتواهای رسانه‌ای تأثیر بیشتری می‌تواند داشته باشد که همکاری تولیدکنندگان فیلم و سریال با پیشکسوتان راوی دفاع مقدس که در عملیات‌های جنگ حضور داشته‌اند می‌تواند فیلم‌های ماندگاری را برای نسل آینده ایران به یادگار بگذارد.

■ در روایتگری از ۸ سال دفاع مقدس معمولاً روی چه مسائلی تأکید دارید؟

در بحث روایتگری بیشتر هدفمان آگاه کردن نسل جوان از علت اصلی دشمنی دشمنان با جبهه انقلاب و مقاومت، تشریح تاریخ شفاهی و وقایع اتفاق افتاده از قبل از انقلاب تا وقایع روز، تبیین کامل چگونگی ایثارگری دلاورمردان در هشت سال دفاع مقدس، بیان خاطرات و سیره شهدا و معنویات و ایمان آنها در دفاع از ارزش‌های انقلاب، چگونگی ولایت مداری شهدا و نحوه شهادت آنها که همگی درس‌های مهمی از ایثار و مقاومت را به ارمغان می‌آورد و می‌تواند راهگشای همه ما در ادامه راه انقلاب و پیشبرد آرمان‌های شهدا تا رسیدن به پیروزی نهایی و اتصال به قیام و انقلاب مهدی موعود(عج) باشد، است.

■ پرداختن به واقعیات ۸ سال دفاع مقدس و ذکر ویژگی اخلاقی شهدا چه تأثیری در مخاطبان دارد؟

عزیزانی که در این مکان‌ها حضور پیدا می‌کنند تشنه و علاقه‌مند شنیدن وقایع جنگ و تاریخ دفاع مقدس هستند و وقتی متوجه می‌شوند که من و خیلی از رزمنده‌ها در سن کم در جبهه و عملیات‌ها حضور داشتیم، بیشتر علاقه‌مند به شنیدن خاطرات این دوران می‌شوند. با سؤالات مختلف و جواب‌هایی که ما در این زمینه به آنها ارائه می‌دهیم سعی در بالا بردن آگاهی آنها می‌کنیم. وقتی دانش‌آموزان مدارس و دانشجویان به باغ‌موزه و راهیان نور می‌آیند و من برای آنها از وقایع عملیات‌ها و خاطرات شهدا روایتگری می‌کنم، بسیار مورد استقبال آنها قرار می‌گیرد. آنها با شنیدن ایثارگری‌ها، خود را مدیون خون شهدا می‌دانند و عنوان می‌کنند که ما قبل از حضور در این مناطق عملیاتی یا در این صحنه‌ها که بازسازی شده که صحنه نبرد هشت سال دفاع مقدس است، این وقایع و حوادث غرورآفرین را درک نکرده بودیم و حالا با فضای ایجاد شده، خودمان را بیشتر از پیش دوست شهدا و عاشق راهشان می‌دانیم و سعی خواهیم کرد که به وصیت آنان عمل کنیم، چرا که آنها به خاطر حفظ آرامش امروز ما و اقتدار کشور، جان خودشان را فدا کرده‌اند و هرکدام‌شان الگویی برای ما هستند.

ایکنا
اردوی راهیان نور به منطقه جنگی جنوب غرب

■ خاطره‌ای هم از دوران روایتگری‌تان با بازدیدکننده‌ها دارید؟

بله خاطره بسیار دارم. در یکی از سفرها به مناطق عملیاتی کنار رود اروند یکی از دانشجویان وقتی روایتگری از عملیات والفجر ۸ را شنید و گفتم که من هم در آن عملیات جانباز شدم و... پس از پایان روایتگری کنارم آمد و گریه کرد و با ابراز محبت و تقدیر از حضور من در آن صحنه‌های پر از خطر و اینکه چگونه با سن کم در این عرصه خطرناک پا گذاشته بودم اظهار تعجب کرد و گفت: «من زیاد از جنگ شنیده بودم ولی امروز اینجا با روایتگری شما خودم را در میان رزمندگان لحظه به لحظه می‌دیدم و آرزو کردم ای کاش من هم میان شما بودم و با دشمنان می‌جنگیدم. به خودم و کشورم افتخار می‌کنم که دلاورانش پس از گذشت سال‌ها چنان درسی به دشمن داده‌اند که هوس حمله به سرزمین ایران را حتی در خیال‌شان نمی‌آورند.» علاقه‌اش به این عرصه را که دیدم، آدرس کلاس‌های روایتگری را به او دادم تا اگر تصمیم‌اش جدی شد در کلاس‌های روایتگری شرکت کند. جالب اینکه ایشان الان جزو روایتگران جوان و فعال این عرصه است و در بسیج محله خود فرمانده و مسئول فرهنگی آنجا شده و ادامه‌دهنده راه شهدا است.

■ تاکنون روایتگری برای مخاطب خارجی هم داشتید؟

در باغ موزه دفاع مقدس از تمام اقشار بازدیدکننده داریم، حتی از گردشگران و پژوهشگران کشورهای خارجی که مترجمان راوی در این حوزه به آنها خدمات روایتگری ارائه می‌کنند. من خودم به زبان ترکی و عربی به‌صورت محدود تسلط دارم و سعی در روایتگری هشت سال دفاع مقدس به این عزیزان را با تمام وجود دارم و خدا را شکر تا الان موفق بودم.

■ به‌عنوان سؤال آخر بفرمایید که آیا کمبود یا دغدغه‌ای برای راویان دفاع مقدس متصور هستید؟

در بحث کمبودها و دغدغه‌های فرهنگی هر کجا فرصتی پیش آمده یادآور شده‌ام که الان در این برهه حساس که دشمن تمام توان خود را در حوزه فرهنگی و کمرنگ کردن ارزش‌های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس در شبکه‌های مجازی و تمام شبکه‌های رسانه‌ای معطوف کرده که با تبلیغات و انواع هجمه‌های رسانه‌ای، ساخت انواع محتواهای ضد فرهنگی و کمرنگ کردن معنویت در بین قشر جوان کشور ضربه به انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی وارد کند وظیفه روایتگران را در این حوزه بسیار سنگین‌تر کرده که باید با شیوه‌های نوین و تولید محتوای فرهنگی جذاب سعی در خنثی کردن حملات فرهنگی دشمن کنند و این مهم با کمک کردن متولیان فرهنگی کشور و دغدغه‌مندان و دلسوزان انقلاب محقق شدنی است، چرا که ما یاری خداوند متعال و عنایات شهدا را داریم و ان شاءالله پرچم انقلاب را که با نثار خون پاک شهدا و ایثارگری دلاورمردان غیور و رزمندگان رشید اسلام و ایران اسلامی ۴۳ سال برافراشته مانده به دست صاحب اصلی انقلاب خواهیم سپرد.

■ اگر نکته‌ای است که در سؤالات به آن اشاره نشده بفرمایید.

در پایان از همسرم که همیشه در این عرصه حمایتم کرده تشکر می‌کنم چون در روزها و ماه‌هایی که در اردوهای راهیان نور هستم زحمات زیادی را متحمل می‌شوند که ان شاءالله اجرشان با شهدای عزیز است. نکته دیگرم خطاب به علاقه‌مندان به شرکت در کلاس‌های روایتگری و دوره‌های تخصصی این حوزه است که از همگی آنها دعوت می‌کنم با شرکت در این دوره‌ها و حضور در مناسبت‌های مربوطه و روشنگری و روایتگری حوزه ایثار و شهادت قدمی هرچند اندک و در حد توان برای ادامه دادن راه شهدا بردارند و امانتدار خون پاک شهدا باشند.

مروری کوتاه بر آثار منتشر شده که به موضوع آزادگان و دوران اسارت پرداخته است

سال‌های دور از میهن

هانیه علی‌نژاد
خبرنگار

۲۶ مرداد همیشه با خاطراتی فراموش نشدنی برای ایرانیان، بویژه خانواده رزمندگان دفاع مقدس همراه بوده است. ۲۶ مرداد روز بازگشت آزادگان ایرانی است که پس از سال‌ها تحمل اسارت به آغوش میهن بازگشتند. ثبت آنچه که بر اسیران دفاع مقدس گذشته است اقدام مهم در ثبت تاریخ است. داستان‌ها و فیلم‌هایی که از آزادگان دفاع مقدس خوانده و دیده‌ایم، همیشه از دردمندانه‌ترین آثار و بیانگر عواطف عمیق انسانی در اسارت و غربت بوده است. در سال‌های اخیر، جریان ادبیات، خاطرات و تاریخ شفاهی مرتبط با دوران اسارت، شکلی منسجم‌تر به خود گرفته و آثار درخوری تولید شده است. کتاب‌های زیادی در رابطه با آزادگان دیده و خوانده‌ایم که تعدادی از مطرح‌ترین آثار که در این حوزه توسط نشر سوره مهر به بازار کتاب عرضه شده، معرفی می‌شوند.

■ خاطرات آزاده، علی اکبر امیراحمدی در «آسایشگاه ۱۴»

کتاب «آسایشگاه ۱۴» نوشته و تدوین محمدمهدی عبدالله‌زاده شامل خاطرات علی‌اکبر امیراحمدی، یکی از آزادگان دوران دفاع مقدس است. این رزمنده در عملیات والفجر مقدماتی به اسارت نیروهای عراقی درآمده و این شانس را داشته که در دوران اسارت زبان عربی و انگلیسی را فرا گیرد و حافظ کل قرآن شود.

■ «اوستاعلی» و خاطرات آزاده قهرمان

کتاب «اوستاعلی» به قلم مجید زنگویی، خاطرات سرهنگ آزاده محمدعلی پردل است. کتاب در چهار فصل «قبل از انقلاب»، «از پیروزی انقلاب تا اسارت»، «اسارت» و «آزادی» تدوین شده‌است. وقایع به ترتیب زمان وقوع چیده شده‌اند؛ در فصل اول، خاطرات راوی از دروس تفسیر آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای و اقامه جماعت ایشان در مساجد گوناگون و ارشادات و مبارزات ایشان اهمیت ویژه دارد. در فصل دوم، حضور راوی در دو عملیات بزرگ «والفجر۳» و «خیبر» و ذکر خاطراتی از سرداران بزرگ اسلام بویژه شهید غلامرضا پروانه اهمیت خاصی دارد. در فصل سوم هم تشکیل سازمانی قوی و مخفی به همت اسرای اردوگاه موصل ۲ و نمایش قدرت ایمان و آزادگی در غربت کفر و اسارت، حماسه‌ای کم‌نظیر است.

■ روزهای زندگی یک همسر شهید در «روزهای بی‌آینه»

کتاب روزهای بی‌آینه نوشته گلستان جعفریان خاطرات منیژه لشکری، همسر سرلشکر خلبان شهید آزاده حسین لشکری است که از زندگی‌اش و تحمل هجده سال دوری از همسرش در دوره اسارت سخن می‌گوید. زندگی زنی که با عشق و اشتیاق در هفده سالگی پای سفره عقد می‌نشیند، در هجده سالگی طعم مادر شدن را می‌چشد و همان سال آغاز انتظار و چشم به راهی هجده ساله اوست، همسر خلبانش مفقودالاثر می‌شود.

این کتاب به روایت ناگفته‌هایی از جنگ تحمیلی پرداخته و چگونگی انتخاب‌های یک زن در نبود همسرش و به دوش کشیدن بار زندگی توسط دختری هجده ساله به همراه فرزند چهار ماهه‌اش را شرح می‌دهد. این اثر در قالب مستند داستانی نوشته شده و همچنین به دلیل واقعی بودن آن سنگینی بار مستند بیشتر به چشم می‌خورد.

■ «شُنام»، خاطرات کیانوش گلزار راغب از دوران اسارتش

کیانوش گلزار راغب در کتاب شنام به شرح خاطرات خود از دوران اسارتش به دست کومله می‌پردازد. تجربه‌های متفاوت نویسنده از جنگ و اسارت موجبات بدیع بودن این کتاب را فراهم آورده است، به نحوی که در این اثر عشق، شوخی، جنگ، اسارت و... به هم آمیخته می‌شوند و تصویری متفاوت از جنگ ارائه می‌دهند.

■ «هنگ ترسوها»، خاطرات یک پناهنده عراقی

کتاب «هنگ ترسوها»، خاطرات فهمی ربیعی فرماندهی از گروهان هنگ ۱ تیپ ۴۱۳ عراق به قلم خودش است که در زمان جنگ ایران و عراق در عملیات کربلای ۵ ایرانی ها به نیروهای ایرانی پناهنده شده است. طی آن خاطرات یکی از افسران فرمانده عراقی، از دوران جنگ با ایران به چاپ رسیده است. در این خاطرات نویسنده تصویری از روحیات متزلزل، فساد، ترس و بی‌لیاقتی ارتش بعثی به دست می‌دهد. افزون بر آن، نویسنده با توجه به آن که مدتی ریاست اردوگاه اسرای ایرانی را برعهده داشته خاطراتی از وضعیت آزادگان ایرانی در اسارت و رفتار زشت و تحقیرآمیز دولت عراق با آنها نقل کرده است. این سروان عراقی سال ۱۳۶۵، در جریان عملیات کربلای ۵ از رژیم بعث روی گرداند و به ایران پناهنده شده است.

■ «بازیدار»، جنگ به روایت یک شهروند عراقی

«بازیدار» نوشته محبوبه‌سادات رضوی‌نیا روایت یک سرباز عراقی گریزان از جنگ با ایرانی‌هاست که پس از دو بار فرار از جبهه به اردوگاه اسرای ایرانی منتقل می‌شود، جایی که آشنایی او با یک اسیر ایرانی، ماجراهای زیادی را برایش رقم می‌زند.

■ «روزگار عسرت»، خاطرات آزاده هادی باغبان

نیروهای عراقی در طول جنگ، اسرای ایرانی را به دو گروه صلیب‌دیده و صلیب‌ندیده تقسیم کرده بودند. اسرای صلیب‌دیده، اسیرانی بودند که نامشان در فهرست صلیب سرخ جهانی ثبت شده بود و اسرای صلیب‌ندیده هم اسیرانی بودند که در نقطه مقابل قرار داشتند و صلیب سرخ هیچ اطلاعی از تعداد، محل نگهداری و سرنوشت‌شان نداشت. سید ولی هاشمی نویسنده در این کتاب به سراغ یکی از اسرای صلیب‌ندیده جنگ رفته است. این اسیر با بدنی ورزیده و عضلانی اسیر می‌شود و بعد از دوسال و اندی اسارت به دلیل صلیب ندیده بودن، با بدنی رنجور و تکیده باز می‌گردد. کتاب «روزگار عسرت» حاصل ۱۹ ساعت مصاحبه و گفت‌وگوی هاشمی با هادی باغبان ،یعنی همین آزاده سربلند است.

■ خواندنی‌های زندگی و زمانه حجت‌الاسلام سید علی اکبر ابوترابی فرد در «پاسیاد پسر خاک»

شخصیت‌هایی در دل تاریخ هستند که با وجود آنکه نام و نشانی از آنها نیست یا کم هست، سرنوشت‌سازند و تأثیرگذار. آنهایی که اگر در همان زمانه نبودند و مسیر زندگی را طی نمی‌کردند، خیلی از وقایع آنگونه که امروز می‌خوانیم و می‌شنویم‌شان هم در طول تاریخ رقم نمی‌خوردند.

اما این ماندگاری از کجا می‌آید؟ باید گفت که بخشی از این شخصیت‌ها عموماً افرادی تأثیرگذارند که خالصانه به فکر خدمت‌رسانی به انسان‌های اطراف خود بودند، مثل سید علی اکبر ابوترابی که یکی از این شخصیت‌های تاریخی و تاریخ‌ساز است. او از جمله چهره‌هایی است که در زمان حیات خود بسیار تأثیرگذار بود و توانست کارهای بزرگی در طول حیاتش رقم بزند، هر چند در این میان آنقدر که باید و شاید به زندگی و شخصیت ایشان پرداخته نشده اما کمتر کتابی از روزگار اسرای جنگی هشت سال دفاع مقدس می‌توان سراغ داشت که نامی از سید علی اکبر ابوترابی در میان نباشد. تقریباً از هر آزاده و اسیر جنگی این نبرد هشت ساله بپرسید می‌تواند چیزی هر چند بسیار اندک هم درباره این شخصیت مهم بیان کند. «کتاب پاسیاد پسر خاک» یکی از معدود کتاب‌هایی است که سعی کرده با به تصویر کشیدن زندگی سید علی اکبر ابوترابی زوایای مختلف زندگی این شخصیت را آشکار کند؛ کتابی که با قلم پخته و دقیق محمد قبادی نگاشته شده است. این کتاب توانسته با تحقیقی طولانی مدت ابعاد مختلف زندگی سیدعلی‌اکبر ابوترابی را به تصویر بکشد.

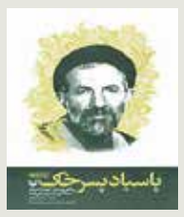

کتاب در دو فصل کلی تدوین شده که در فصل اول اطلاعات اولیه‌ای همچون پیشینه خانوادگی، تولد، تحصیل و فعالیت سیاسی و آشنایی مرحوم ابوترابی‌فرد با شهید سیدعلی اندرزگو مورد بررسی قرار گرفته است. خواننده با مطالعه این بخش آشنایی جامعی با فضای خانوادگی و مراحل شکل‌گیری شخصیت مرحوم ابوترابی به‌دست می‌آورد.

فصل دوم کتاب به شرح فعالیت‌های سیدعلی‌اکبر ابوترابی درکمیته استقبال از امام خمینی(ره) و دوران دفاع مقدس و احوال وی در دوران اسارت در زندان‌های ارتش متجاوز حزب بعث عراق اختصاص دارد و حاوی اطلاعات بسیار مهم و تازه‌ای است که شاید برای بسیاری از دوستان و نزدیکان مرحوم ابوترابی هم تازگی داشته باشد.

حجت‌الاسلام ابوترابی فرد در اردوگاه‌های عنبر، موصل ۱، ۳، ۴، رمادیه و تکریت ۵، ۱۷، ۱۸ و نیز سلول‌های زندان‌های بغداد، اسیر بود و پس از ۱۰ سال اسارت سرانجام سال ۱۳۶۹ به میهن بازگشت و در تاریخ هفتم مهر ۱۳۶۹ با حکم رهبر معظم انقلاب نماینده ولی فقیه در امور آزادگان شد.